

دانش بررسی علل پرخاشگری در کودکان

مهدی اوصالی^۱

چکیده

مقاله حاضر به روش مروری - کتابخانه‌ای است که با توجه به نظرات اندیشمندان این عرصه به رشته تحریر درآمده است. هدف این مطالعه دانش بررسی علل پرخاشگری در کودکان انجام گرفته است. محتوای لازم برای نگارش این مطالعه از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی و موتور جستجوی گوگل به دست آمده است؛ که نتایج به دست آمده نشان داده‌اند، دوران پیش دبستانی سال‌های مناسبی برای تشخیص مشکلات کودکان، مداخله به هنگام و پیشگیری از مشکلات عاطفی، اجتماعی و تحصیلی آینده آنان است. مداخله به هنگام و تغییر رفتارهای ناسازگار کودک در این دوره حساس، بر مهارت‌های اجتماعی و محبوبیت کودک نزد همسالان و بزرگسالان می‌افزاید و او را برای پذیرش مسئولیت‌های تحصیل در دبستان آماده می‌کند. یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان خردسال پرخاشگری است. پرخاشگری یکی از رایج‌ترین واکنش‌های هیجانی و طبیعی کودک نسبت به ناراحتی‌ها و ناکامی‌هاست که معمولاً از اوایل زندگی شروع می‌شود. پژوهشگران با مطالعه کودکان پرخاشگر به این نتیجه رسیده‌اند که 55 درصد پسران و 41 درصد دختران از دوسالگی، 25 درصد پسران و 34 درصد دختران تا پنج سالگی رفتارهای پرخاشگرانه نشان می‌دهند. این رفتارها با ورود به مدرسه کاهش می‌یابد و سپس در دوره نوجوانی (پسران بین 16 تا 18 سالگی و دختران بین 13 تا 15 سالگی) به اوج خود می‌رسد (شهیدی، 1398). همچنین، بعضی از مطالعات نشان می‌دهد، ثبات پرخاشگری در دخترها کمتر است، درحالی‌که چند تحقیق، برابری ثبات پرخاشگری بین دختران و پسران را نشان می‌دهند. پرخاشگری به عنوان یک آسیب اخلاقی، اگر کنترل نشود، ممکن است مشکلات بسیاری را از جمله طرد از سوی همسالان، عملکرد تحصیلی ضعیف و افت مهارت‌های ارتباطی باعث شود که بر جنبه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی کودک در آینده اثر گذارند. محققان اثرگذاری این آسیب‌ها را بر دختران بیشتر از پسران می‌دانند. در این مقاله تعریف پرخاشگری و انواع آن، پرخاشگری در سنین متفاوت، تفاوت پرخاشگری با رفتار جرئت‌مندانه و علل و شیوه‌های درمان آن بررسی شده‌اند.

کلیدواژه: پرخاشگری، کودکان، درمان

مقدمه

پرخاشگری نوعی اختلال سلوکی که با اخم کردن، طفره رفتن، سماجت کردن و تخطی از قانون و مقررات و خشونت مستقیم و یا غیرمستقیم دیده می‌شود. در بین پسران این عارضه بیشتر از دختران و در خانواده‌های که اختلال‌های تشخیص ضدا اجتماعی یا مسائل الکلی یا مواد مخدر در پدر و مادر یا در هر دو وجود دارد بیشتر ملاحظه می‌شود. کودکان و نوجوانان پرخاشگر قوانین مهم را یا از طریق فرار از آموزشگاه، استفاده از مواد مخدر یا اغلب اوقات باهمکلاسی‌ها، خواهر و برادرهای خود نزاع می‌کنند به دستور معلمان و والدین خود گردن نمی‌نهند، دیده می‌شود. وقتی سخن از این به میان می‌آید که بخش عمده‌ای از خشونت و شیوه بروز آن آموختنی است، بدین معنا نیست که مقصر اصلی در پرورش کودکان خشونت‌گرا والدین آن‌ها هستند؛ اما اگر والدین رفتار تهاجمی و پرخاشگرانه داشته باشند فرزندانشان نیز این نوع رفتار را از آن‌ها خواهند آموخت و الگوی رفتاری پدر و مادر را تکرار می‌کنند. باینکه نقش تربیتی والدین اهمیت بسیار زیادی در آموختن شیوه‌های برخورد باخشم و پرخاشگری دارد، اما ممکن است برخی از کودکان تحت تأثیر فیلم‌های سینمایی، بازی‌های کامپیوتری و کتاب‌هایی با محتوای خشونت‌گرایی رفتارهای پرخاشگرانه و تهاجمی از خود نشان دهند. تحقیقات و آمار نشان می‌دهد که در موارد زیادی خشم افراد، نسبت به اشخاصی است که بیشتر موردعلاقه و توجه

¹Mahdiosali1375@gmail.com - کارشناسی ارشد روانشناسی ورزشی دانشگاه آزاد

شخص هستند. این افراد بیشتر از اعضای خانواده، دوستان و آشنایان نزدیک تشکیل شده‌اند و افراد غریبه و ناآشنا معمولاً بخش کوچکی از محرک‌هایی را نشان می‌دهند که فرد را خشمگین می‌کند. با توجه به اینکه خشم، معمولاً نسبت به دوستان و نزدیکانی که بیشتر مورد علاقه هستند تجربه می‌شود، در می‌یابیم که علت خشم به دلیل ناکامی‌ها، نیازها و خواسته‌های فرد که توسط نزدیکان پاسخ داده نشده است، می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در داخل ایران

در خرداد 73 تحقیقی تحت عنوان بررسی و مقایسه ویژگی‌های دانش آموزان پرخاشگر و عادی صورت گرفت. بررسی نتایج حاکی از این بود که بین ویژگی‌های نقاشی آدمک دانش آموزان پرخاشگر و عادی در خصوص ترسیم آدمک با موهای خط‌خطی بی‌نظم یا سیخ سیخ تفاوت معنی‌دار آماری وجود دارد.

در سال 74 تحقیقی تحت عنوان بررسی میزان مشکلات ناسازگارانه در بین دانش آموزان راهنمایی و ابتدایی توسط زهره نظیمی آرانی صورت گرفته است. نتایج حاصل از این بود که مشکل بزرگ که ممکن است بین دانش آموزان بروز کند مسئله‌ی پرخاشگری است که در عین حال که یک رفتار مطلوب در مسیر رشد طبیعی است ولی اگر تحت کنترل نباشد می‌تواند به صورت یک هیجان ازهم‌پاشیده درآید

در سال 77 تحقیقی تحت عنوان بررسی نظرات آموزگاران در مورد راه‌های کنترل و بهبود پرخاشگری دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان اردکان توسط آقایان ابوطالب قطب‌الدینی و سید عباس سلحشور صورت گرفت که نتایج این تحقیق حاکی از این بود که: الف-برخورد محبت‌آمیز معلم با دانش آموزان تقویت روحیه اعتمادبه‌نفس در دانش آموزان ارج نهادن به ابتکارات آنان عدم تبعیض در برخورد معلم با آنان و راهنمایی والدین در مورد برخورد صحیح با فرد پرخاشگر از مهم‌ترین عواملی هستند که در بالاترین حد از لحاظ میزان تأثیر در کنترل و بهبود پرخاشگری دانش آموزان می‌باشند

ب-تعداد جمعیت خانواده، سن پایین 50 سال برای والدین و شرایط آب و هوایی منطقه مسکونی در پایین‌ترین حد از نظر میزان تأثیر در کنترل و بهبود پرخاشگری قرار دارند

ج-از دیگر نتایج این تحقیق آن است که برخورداری از تسهیلات زندگی ناراحتی‌های جسمانی و معلولیت، سطح معلومات و تجربیات والدین و عدم توجه به رفتار پرخاشگرانه دانش آموزان تا حد نسبتاً زیادی در بهبود و کنترل آن معضل مؤثر می‌باشد

در خارج از ایران

مطالعات پترسون در سال 1982 نشان داد که والدین نوجوانانی که رفتار ضداجتماعی دارند از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که رفتارهای پرخاشگرانه را مجاز می‌دانند. توماس هابز در اثر کلاسیک خود "غول دریایی" معتقد بود که انسان‌ها در محیط طبیعی خشن و بی‌رحماند و تنها برقراری نظم می‌تواند آن‌ها را مهار کند

اهداف تحقیق

هدف کلی: پرخاشگری و راه‌های درمان آن

اهداف جزئی: 1- بررسی عوامل مهمی که به نحوی در پرخاشگری کودکان مؤثر است

2- شناسایی عواملی که به بهبود و یا کنترل پرخاشگری کودک کمک می نماید

سؤالات تحقیق

1. عوامل تأثیرگذار در پرخاشگری
2. پرخاشگری چیست؟
3. آیا عوامل خانوادگی در پرخاشگری مؤثر است؟

ضرورت و اهمیت بیان مسئله

پرخاشگری، درمیان واکنش های هیجانی، به دلیل پیامدهای فردی و اجتماعی اش توجه بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. علی رغم بروز برخی رفتارهای پرخاشگرانه در سال های اولیه تولد، کودک در طی فرایند رشد خود فرصت هایی برای یادگیری مهارت های نظارت بر هیجان و رفتار را خواهد داشت که منجر به کنترل مناسب خشم و پرخاشگری می شود. بااینکه حال، بعضی از کودکان در کسب این مهارت ها موفق نیستند، در نتیجه سطوحی از پرخاشگری را در روابط میان فردی بروز می دهند. در کنار خانواده، مدرسه مهم ترین نهاد برای پرورش مهارت های اجتماعی کودک است. تحقیقات، درباره علل پرخاشگری در کودکان، نشان داده است که ناکامی در خود ابراز گری، قرار گرفتن در موقعیت هایی که کودک دچار دوگانگی و تضاد درونی می شود و فقدان کفایت در قوه استدلال می تواند از مهم ترین آن ها باشند؛ بنابراین ایجاد فضایی دوستانه و تفکر برانگیز که در آن گوش دادن به سخن کودکان ارزش محسوب می شود و منجر به ارتقای قدرت استدلال و داوری کودک می شود، می تواند در پیشگیری از پرخاشگری بسیار کارساز باشد. مبدعان برنامه «فلسفه برای کودکان» بر این باورند که پرورش قدرت تمییز، داوری و استدلال ورزی که مبتنی بر تفکر منطقی است، باید از دوران کودکی و با شروع زندگی اجتماعی کودک آغاز شود. بدین ترتیب، برنامه فلسفه برای کودکان در تلاش است با ایجاد فضایی موسوم به «حلقه کندوکاو» فرصت تقویت قدرت استدلال و داوری را برای کودکان فراهم سازد. می توان انتظار داشت که هم زمان با تقویت تفکر استدلالی و منطقی کودک از طریق گفت و گوهای جمعی، بتوان پرخاشگری را در آنان مهار کرد. نتایج تحقیقات متعددی تأثیرات مثبت این برنامه بر کنترل رفتارهای پرخاشگرانه را در کودکان نشان داده است.

روش پژوهش

نوشته حاضر پژوهشی توصیفی _ تحلیلی و جز پژوهش های کیفی است. روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق مطالعه کتابخانه ای است. با بهره گیری از مقالات و کتب متعدد داخلی و خارجی به بحث درباره دانش علل پرخاشگری در کودکان پرداخته ایم.

بیان مسئله

پرخاشگری در کودکان یکی از پدیده های شایعی است که شاید تا حدودی نتیجه تغییرات گسترده ای باشد که در محیط تربیتی کودک و محیطی که کودک در آن رشد و پرورش می یابد است. از یک سو بخشی از پرخاشگری های کودکان معلول دوره های رشدی گوناگونی است که پشت سر می گذارند اما از سوی دیگر بخش عمده ای از این گونه رفتارها نیاز به توجه دارند، باید علل پرخاشگری کودکان مورد بررسی قرار بگیرد زیرا ممکن است رفتارهای ناهنجار دیگری را با خود همراه کند.

پرخاشگری چیست؟

ابتدا با رفتار پرخاشگرانه آشنا شویم. این رفتار نتیجه احساس خشمی است که افراد تجربه می کنند؛ اما همه کسانی که تجربه این احساس را دارند رفتار پرخاشجویان از خود نشان نمی دهند؛ زیرا این رفتار به دلیل ماهیت تهاجمی که دارد و ممکن است به خود فرد و یا دیگران آسیب بزند مورد پذیرش جامعه نمی باشد. به همین دلیل با افزایش سن و یادگیری های گوناگون افراد می آموزند که خشم خود را کنترل کنند و رفتارهای مخرب نداشته باشند.

اما باین وجود رفتارهای پرخاشگرانه همواره در سنین مختلف ممکن است که از کودک سر بزند که دلایل گوناگونی دارد اما وقتی فراوانی این رفتار زیاد می شود برای والدین نگران کننده است زیرا معمولاً این کودکان تبدیل به افراد مشکل آفرین می شوند به خاطر همان ماهیت تهاجمی و مخرب نمود بیرونی احساس خشم. کودکان پرخاشگر معمولاً ناسازگار هستند در میان همسالان و در محیط های آموزشی مانند مدرسه در دسرهای زیادی به وجود می آورند که گاهی اوقات ممکن است جبران ناپذیر باشد؛ مانند آسیب رساندن به دیگران. تا جایی که در کانون های اصلاح و تربیت نیز بخش اعظمی از کودکان و نوجوانان را همین قشر پرخاشگر تشکیل می دهند.

پس این رفتار باید به شدت مورد توجه والدین قرار گیرد و والدین با نحوه برخورد با کودکان خود آشنا باشند، با دوره های رشدی فرزندان خود آشنا باشند تا بتوانند بهتر دلیل رفتارهای گوناگون فرزندان خود را درک کنند. دوره های آموزشی گوناگونی در این زمینه با عنوان مهارت های فرزندپروری برگزار می شود؛ اما در کنار همه این ها والدین می توانند این آموزش ها را به صورت تخصصی تر از یک مشاور کودک دریافت کنند. یکی از خدمات مرکز مشاوره فراز در زمینه کودک و نوجوان می باشد که خیلی برای والدین مفید فایده است.

انواع پرخاشگری:

آشنایی با انواع پرخاشگری از این جهت مورد اهمیت است که باید برای درمان این اختلال رفتاری بدانیم که نوع بروز خشم کودک چگونه است تا بتوانیم واکنشی متناسب با آن داشته باشیم. خشونت و پرخاشگری را می توان به دودسته کلی تقسیم کرد. پرخاشگری خصمانه و پرخاشگری وسیله ای یا ابزاری. خصمانه به این معنی می باشد که هدف کودک آسیب رساندن به اشیاء یا افراد است که معمولاً به قصد انتقام روی می دهد مانند زمانی که کودک دوستش را کتک می زند زیرا عروسکش را برداشته و یا اینکه یکی از ظروف خانه را پرت می کند چون توسط مادر تنبیه شده و حالا در پی انتقام است؛ و وسیله ای یا ابزاری به این معنی است که کودک به واسطه رفتارش قصد دارد به چیزی دست یابد برای مثال برای پس گرفتن عروسک خود از دوستش و یا اینکه قصد دارد از چیزی فرار کند مانند فرار از تنبیه والدین.

علل پرخاشگری کودکان:

در این مقاله قصد داریم علل پرخاشگری کودکان را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم به کمک برطرف کردن بخش عمده ای از علل این رفتار نرخ وقوع آن را کاهش دهیم. پرخاشگری علل گوناگونی دارد که یکی از آن ها دوره های رشدی گوناگون است؛ یعنی کودک در هر دوره از رشد خودش دارای ویژگی های خلقی می باشد که یکی از آن ها نحوه بروز خشم خودش است. برخی از علت های رفتارهای خشمگینانه عبارتند از:

- **ناکامی:** فریود جزو اولین نظریه پردازهایی است که به مقوله خشم پرداخته است و معتقد است احساس خشم در پی ناکامی است که در انسان به وجود می آید؛ مانند از دست دادن یک رتبه ی شغلی خوب در محل کار. برای کودکان نیز به همین شکل است مانند از دست دادن پول توجیبی، یا از دست دادن یک اسباب بازی و یا حتی تغییر محل زندگی یا مدرسه که باعث از دست دادن دوستان و همسالان کودک می شود. رفتار والدین در این مواقع باید کاملاً حمایتگرانه باشد و کودک را درک کنند و در یک شرایط کاملاً آرام و به دور از استرس با کودک درباره اتفاق هایی که افتاده است صحبت کنند؛ و اگر راه به جایی نبرند زیرا در برخی موارد برخی اتفاقات کودک را به شدت آزرده می کند - بهتر است از یک مشاور کودک کمک بگیرند.

- **مشاهده و الگوپذیری:** در اکثر موارد الگو گیری کودکان در نوع بروز خشم می‌باشد مثلاً اگر کودکی ببیند که پدرش هنگام عصبانیت مشتش را به دیوار می‌کوبد ممکن است او هم در هنگام عصبانیت همین کار را انجام دهد؛ اما از آنجایی که پرخاشگری نیز نمود بیرونی احساس خشم است کودکان می‌آموزند که خشونت به خرج دهند. مشت به دیوار بکوبند، اشیاء را پرتاب کنند، دیگران را کتک بزنند. در این صورت ادامه‌دار شدن این رفتارها می‌تواند تبدیل به یک الگوی رفتاری شود و کودک تبدیل به یک فرد بزهکار یا دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی شود.
 - **بیش‌فعالی و یا اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای:** یکی از نشانه‌های این اختلالات رفتار تهاجمی می‌باشد به‌خصوص اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای که کودک در مقابل برآورده نشدن خواسته‌هایش واکنش‌های خشونت‌آمیزی از خود نشان می‌دهد. در این موارد باید حتماً با یک مشاور کودک مشورت کرد و عجلولانه به برچسب‌زنی به کودک اقدام نکرد.
 - **اضطراب و افسردگی:** کودکان وقتی دچار بیماری و یا اختلالی می‌شوند رفتارهایی متفاوت با رفتار بزرگسالان نشان می‌دهند. مثلاً در مورد دو اختلال افسردگی و اضطراب یکی از واکنش‌های شایع کودکان رفتارهای پرخاشگرانه است؛ زیرا مانند بزرگسالان نمی‌توانند در مورد احساسات و هیجانات خود صحبت کنند پس گاهی اوقات واقعاً لازم است که از یک متخصص کمک بگیریم.
 - **تولد فرزند تازه:** معمولاً این رفتارها در فرزندان اول خانواده بیشتر به چشم می‌خورد. کودکی تا قبل متولد شدن خواهر و یا برادرش مرکز توجه والدین و اطرافیان بود حالا جایگاه خاص، ویژه و چه بسا از نگاه خود مقدسش را از دست داده است و همه این‌ها می‌توانند علل رفتارهای خشونت‌آمیز کودک باشند در برخی موارد ممکن است به‌شدت به فرزند تازه متولد شده حسادت کنند و رفتارهای خطرناکی از آن‌ها سر بزنند؛ مانند کتک زدن فرزند تازه، لگد کردن دست‌وپا، معدوم کردن وسایلی مانند شیشه شیر و شیوه‌های دیگری که معمولاً به هم شبیه هستند.
 - **عوارض مصرف دارو:** گاهی اوقات برخی از داروها با فعل‌وانفعالات شیمیایی که در مغز ایجاد می‌کنند باعث تغییر رفتار کودک می‌شوند. لازم است که والدین نسبت به تغییر رفتارهای ناگهانی فرزندان خود مخصوصاً دورانی که در حال مصرف داروی خاصی هستند هوشیار باشند و پزشک کودکشان را در جریان آن بگذارند.
- کودکان به‌رغم تشابهات رفتاری که با یکدیگر دارند هر کدام دنیای متفاوتی داشته و گاهی اوقات رفتارهایی نشان می‌دهند و در برابر رویدادهای گوناگون واکنش‌هایی نشان می‌دهند که شبیه یکدیگر نیست. به همین دلیل بررسی کامل و تخصصی علل پرخاشگری کودکان بهتر است که توسط به متخصص کودک انجام شود زیرا از ابزارهای دقیق و گوناگونی برای بررسی کامل این موضوع استفاده می‌کنند.

علائم و نشانه‌های پرخاشگری

کودک به‌طور فطری می‌داند که باید با نامالایمات بجنگد. همان‌طور که خداپرستی، نوع‌دوستی، خودخواهی، گریه کردن هنگام گرسنگی و درد و... غریزی هستند؛ خشم نیز تکوینی و غریزی است که خداوند از ابتدا درون او قرار داده تا به‌وسیله آن خودسازی کند و در کوره‌های پرفرازونشیب زندگی شکست نخورد. دوران کودکی با توجه به نحوه تأثیرگذاری خشونت در زندگی او توسط متخصصین علوم رفتاری کودک مورد بررسی قرار گرفته شده است و روش‌های مفید برای کنترل این هیجان و بهره‌گیری از این دوران بیان شده است.

دوران کودکی را به سه مرحله تقسیم کرده‌اند:

بدو تولد تا سه‌سالگی

3 تا 7 سالگی

7 تا 11 سالگی

پرخاشگری از بدو تولد

تفاوت‌های بین کودکان از نظر خصوصیات مثل گریه کردن، بدخلقی و تحریک‌پذیری عمومی در شش ماه اول زندگی، تفاوت‌های پایداری نیست. ولی تحریک‌پذیری شدید در کودکان بالای هفت ماه معمولاً تا یک یا دو سال اول زندگی ثابت می‌ماند. شواهد نشان می‌دهد بچه‌هایی که به شدت تحریک‌پذیرند، کمتر احتمال دارد در دوسالگی اجتماعی باشند؛ زیرا چنین بچه‌هایی کمتر از بچه‌های دیگر لبخند می‌زنند یا می‌خندند.

عامل اصلی عصبانیت در کودکان قبل از دبستان، احساس ناکامی و دست نیافتن به خواسته‌هایشان است. در ابتدای این مرحله سنی، رشد کلامی و بدنی کودک به آن حد نرسیده که بتواند تمام کلمات را درست به کار ببرد یا بازی دلخواهش را به درستی انجام دهد؛ بنابراین بعضی مواقع دچار مشکل می‌شود و گریه می‌کند یا وسیله در دستش را پرت می‌کند؛ در این صورت والدین واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. بیشتر والدین خشم و عصبانیت را یک واکنش منفی تلقی و سعی می‌کنند با تویب و قهر و طرد کودک از بروز آن جلوگیری کنند.

این‌گونه رفتارهای والدین باعث تقبیح رفتار کودک می‌شود، در صورتی که آن‌ها با این شیوه رفتاری خود، کودکی را که در حال تجربه کردن خشم است، گیج و سردرگم می‌کنند. والدین باید به او کمک کند تا هنگام بروز هیجانات قوی و شدید، چگونه رفتار کند.

پرخاشگری در 7 تا 11 سالگی

کودکان هم چنان که به سال‌های پیش از مدرسه نزدیک می‌شوند، کمتر دست به اعمال پرخاشگرانه می‌زنند و در نوع پرخاشگری آنان هم تغییراتی ایجاد می‌شود؛ یعنی وقتی که پرخاشگری ابراز می‌شود، غالباً خصمانه و کمتر وسیله‌ای است. هم‌چنین کودکان به تدریج به عمد یا تصادفی بودن پرخاشگری دیگران پی می‌برند؛ برای مثال زمانی که کودکان باهم بازی، و به همدیگر برخورد می‌کنند و یکی می‌افتد، کودک درک می‌کند که این برخورد تصادفی بوده و یا اینکه دوستش به صورت عمدی او را هل داده است.

دلایل عمده خشم کودکان در این دوره مانند دوره قبل، نزاع بر سر اسباب‌بازی، نادیده گرفتن خواسته‌های دیگران و مورد حمله واقع شدن از سوی سایر کودکان است. کودکان خشم خود را به صورت شلوغ کردن، گریه کردن، فریاد زدن، پا به زمین کوبیدن، لگزدن، بالا و پایین پریدن یا اعتصاب کردن نشان می‌دهند. در بروز واکنش‌های عاطفی کودکان در این دوره، تفاوت‌های عمده‌ای با کودکان دوره قبل دیده می‌شود. واکنش‌های عاطفی کودک در دوره قبل بیشتر عملی و حرکتی بوده است، در حالی که در این دوره بیشتر زبانی و کلامی است. به‌طور کلی واکنش‌های عاطفی کودک در دوره قبل بیشتر مستقیم و آشکار بود و در این دوره بیشتر غیرمستقیم می‌شود. در این دوره اگر کودک خشمگین شود، ممکن است واکنش عاطفی خود را بیشتر به صورت کج‌خلقی و یا قهر نشان دهد و حتی ممکن است رفتاری کاملاً عادی از خود نشان دهد؛ ولی در دوره قبل کودک واکنش‌های عاطفی مستقیم‌تر و آشکارتری مانند گریه کردن را از خود نشان می‌دهد.

عوامل پرخاشگری کودکان

عوامل مختلفی در بروز پرخاشگری در کودکان وجود دارد که به دلیل اهمیت این بحث بخشی به آن اختصاص داده شده است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل، وراثت و محیط هستند. وراثت که از سوی پدر و مادر و نسل‌های گذشته انتقال می‌یابد و در محیط که از اطرافیان اعم از دوست، مربی، تلویزیون، کامپیوتر و به کودک انتقال می‌یابد.

وراثت

محققان پس از تحقیقات عمیق علمی، به این نتیجه رسیدند که در سلول، هسته‌ای بیضی شکل با جدار قابل ارتجاعی وجود دارد و در آن هسته، قطعات کوچکی را یافتند که در موقع تقسیم سلولی در هسته پدیدار می‌شوند و آن‌ها را کروموزوم نام نهادند. در کروموزوم‌ها ذرات بسیار کوچکی وجود دارد که آن‌ها را ژن نامیدند که عامل حقیقی وراثت، این ذرات کوچک‌اند. ژن‌ها هستند که صفات چشم، لب و سایر صفات قابل وراثت را از پدران و مادران به فرزندان منتقل می‌کنند.

در سخنی از حضرت علی (ع) آمده است: «سجایای اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است بنابراین انسان بعضی صفات را از پدران و مادران نزدیک یا اجداد دوردست که در پرده خفا بوده‌اند و در محیط مناسب و شرایط مساعد کسب می‌کند. اساساً به نظر دانشمندان جهان، بین انسان امروز و اجداد گذشته‌اش به‌وسیله ژن‌های عامل وراثت، ارتباط عجیب و درعین حال پیچیده‌ای وجود دارد و سجایای اخلاقی و صفات پسندیده یا سیئات اخلاقی و ملکات ناپسند پدران و مادران نیز در فرزندان زمینه‌هایی را ایجاد می‌کند.

فرزندان پدران و مادران شجاع و سخی، فداکار و خدمتگزار، اغلب بافضیلت هستند و برعکس از خاندان بخیل و زبون، خودخواه و ترسو، بیشتر بچه‌های پست و فرومایه متولد می‌شوند. از نظر اسلام فضایل یا ردایل پدران و مادران در فرزندان، آثار قابل ملاحظه‌ای به‌جا می‌گذارد و فرزندان وارث آن صفات پسندیده یا ناپسند خواهند بود.

خوشبختی و بدبختی که در رحم مادر نصیب فرزندان می‌شود، گاه به‌صورت سرنوشت قطعی و قضای اجتناب‌ناپذیر است و تا پایان عمر با فرزندان خواهد بود؛ مثل دیوانگی و کوری مادرزاد. در این قبیل موارد شرایط رحم، علت تام آن‌هاست. ولی گاه رحم مادر زمینه مساعد و قابلیت بعضی شرایط جسمی و روحی برای فرزند ایجاد و درواقع شرایط رحم، علت معده آن‌هاست. در چنین شرایطی موارد سعادت و شقاوت ایجادشده در رحم مادر، سرنوشت قطعی نیست؛ بلکه ملاک بقا یا محو آن، صفات پسندیده یا ناپسند عوامل تربیتی و شرایط محیط مساعد یا نامساعد است.

پدران پاک‌دل و مادران عقیف از نظر شرایط وراثت، فرزندان خوب و پاک‌دل تربیت می‌کنند، ولی مربی بد و محیط ناپاک مسیر تکامل آن فرزند را عوض می‌کند. هم‌چنین ممکن است بچه‌ای که از پدر و مادر بی‌ایمان و ناپاک دل به وجود آمده و زمینه‌های بدبختی در مزاج او ایجادشده است، با تربیت صحیح و محیط پاک و سالم، درراه نیکان قرار گیرد. از این‌روست که رسول اکرم (ص) فرموده است: «گاهی سعید شقی و بدبخت می‌شود و گاهی شقی به راه سعادت و خوشبختی می‌رود.

محیط

زندگی اجتماعی، برخی وابستگی‌های غیرارادی است که ما را با افراد، اجتماعات و فرهنگ‌های محیط مرتبط می‌کند. ما با هر کدام آن‌ها تأثیر و تأثر مقابل داریم؛ یعنی کودک از پدر و مادر و اطرافیان متأثر شده و در آن‌ها هم تأثیر می‌گذارد. خانواده، اولین محیط اجتماعی در رشد و تکامل کودک می‌باشد و پیش از آنکه کودک از اوضاع اجتماعی خارج متأثر شود، از خانواده تأثیر خواهد پذیرفت. والدین تنها عواملی نیستند که باعث به وجود آمدن خشونت می‌شوند؛ بلکه خواهر، برادر، دوستان، رسانه‌های گروهی و... نیز باعث عصبانی شدن و پرخاشگری کودک می‌شوند.

والدین

والدین نقش مهمی در پرخاشگری کودکان دارند. والدین کودکان پرخاشگر، یا خود پرخاشگرند و یا رفتاری مناسب با کودکان خود ندارند و در آنان خشم و ناکامی ایجاد می‌کنند و به‌این ترتیب کودکان خود را پرخاشگر بار می‌آورند. والدینی که با کودک، پرخاشگرانه صحبت می‌کنند و کتک،

توهین و سرزنش در رتبه اول زندگی آن‌ها قرار دارد، چگونه می‌توانند انتظار داشته باشند که کودکانشان آرام و صبور باشند. کودکانی که فعال هستند، بیشتر دچار خشونت می‌شوند؛ زیرا خواهناخواه با کودکان دیگر درگیری بیشتری دارند.

والدینی که در برابر اهداف و مقاصد کودکان خود موانع ایجاد می‌کنند و کودکان خود را از رسیدن به اهداف و خواسته‌هایشان باز می‌دارند، به ایجاد رفتار پرخاشگرانه در کودکان خود کمک می‌کنند. طبیعی است زمانی که در مقابل خواسته‌ها و اهداف کودک مانعی ایجاد شود، او می‌کوشد با توسل به پرخاشگری آن مانع را از بین ببرد.

اما زمانی که کودکان باحالت پرخاش از والدین خود چیزی می‌خواهند و والدین در مقابل آن سکوت می‌کنند و هیچ عکس‌العملی در مقابل پرخاش او نشان نمی‌دهند، سبب می‌شود کودک از آن طریق به هدف خود نرسیده و از حالت پرخاشگری او کاسته می‌شود و درمی‌یابد که برای خواسته‌های خود نباید به پرخاشگری متوسل شود.

والدینی که با کودکان خود رفتار پرخاشگرانه دارند، موانع مختلفی در مقابل اهداف و خواسته‌های کودکانشان به وجود می‌آورند و احساس خصمانه و پرخاشگری را در آنان تقویت می‌کنند، ولی اجازه ظاهر ساختن آن را نمی‌دهند. این حالت پرخاشگری به درون کودک منتقل می‌شود و کودک به خودآزاری و در موارد شدید، حتی به خودکشی تمایل پیدا می‌کند و در روابط اجتماعی خجول و گوشه‌گیر شده و توانایی اعتمادبه‌نفس را در رفتار با دیگران از دست می‌دهد.

برخی والدین نیز رابطه خصمانه‌ای با کودکان خود دارند و آزادی ابراز حالت پرخاشگری را به کودکان خود می‌دهند. این مسئله باعث می‌شود که آنان خشم و نفرت خود را آزادانه و بدون نظارت و کنترل والدین در همه‌جا ابراز دارند و موجب آزار و اذیت دیگران شوند. اکثر کودکان و نوجوانان بزهکار و پرخاشگر در این گروه جای می‌گیرند.

رسانه گروهی و بازی‌های رایانه‌ای

امروزه نقش رسانه‌های همگانی در میزان پرخاشگری کودکان بر کسی پوشیده نیست. رسانه‌های گروهی امروزه نه تنها نقش تعیین‌کننده‌ای در پرخاشگری کودکان دارند؛ بلکه در تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. تحقیقات مختلفی که در رابطه با یادگیری پرخاشگری از طریق تلویزیون انجام گرفته، نشان می‌دهد که هر چه کودکان فیلم‌های خشن‌تری را تماشا کنند، خشونت بیشتری نسبت به دیگران نشان خواهند داد. موارد بسیاری از جنایت‌هایی که به دست کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد، بعد از تماشای صحنه‌های مختلف جنایت و خشونت فیلم‌ها به وقوع پیوسته است. کودکانی که نسبت به سایرین پرخاشگرند، به فیلم‌های خشونت‌آمیز بیشتر از کودکان غیر پرخاشگر علاقه‌مند هستند و این علاقه آنان را پرخاشگرتر از گذشته می‌کند.

تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که بیشتر پرخاشگرند، با دیدن فیلم‌ها و برنامه‌های خشونت‌آمیز احساس می‌کنند که رفتار درستی دارند. آنان همچنین با مشاهده این برنامه‌ها، فن‌های جدید رفتار قهرآمیز را فرامی‌گیرند. زمانی که آنان این رفتارها را در مورد همسالان‌شان به کار می‌گیرند، محبوبیت خود را بیش‌ازپیش، از دست می‌دهند و بیشتر به این نوع فیلم‌ها پناه می‌برند. افزون بر آن پیداست که کودکان پرخاشگر در فراگیری ضعیف‌اند و برای روبه‌رو شدن با دین، منابع اندکی در اختیار دارند. آنان مایل‌اند خود را به شدت در قالب شخصیت‌های فیلم‌ها ببینند و بدین ترتیب درس‌های پرخاشگرانه فیلم‌ها را سریع‌تر می‌پذیرند. جدایی از همسالان و گذراندن وقت بسیار در مقابل تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای، می‌تواند ناکامی‌های تحصیلی را افزایش دهد.

خستگی و گرسنگی

خستگی که نتیجه استراحت کم، هیجانانگیز، غذای ناکافی و علل فرعی تر دیگر است، کودکان را کج خلق و تندخو می‌سازد. گرچه این امر در تمام مراحل کودکی صادق است، اما در زمان طفولیت بسیار مهم و قابل توجه است؛ زیرا طفل خردسال از آنجاکه توانایی تشخیص خستگی را ندارد، بی‌اعتنا به آن بازی خود را که در نهایت منجر به کج خلقی و تندخویی می‌شود، ادامه می‌دهد. گرسنگی در آمادگی کودک برای ابراز خشم بسیار مؤثر است. گرسنگی از خطرناک‌ترین و حساس‌ترین حالات بشر است. انسان گرسنه، گویی مهر و عاطفه را فراموش می‌کند و برای پر کردن شکم مانند درنده خشن می‌شود.

نیاز کودکان به عنوان عامل مؤثر در پرخاشگری

گاه کودکان، خود باعث تقویت رفتارهای پرخاشگرانه می‌شوند، برای مثال با انتخاب ورزش‌های رزمی، شمشیربازی، دیدن فیلم‌های مهیج، انجام بازی‌های رقابتی و یا حتی قوه تقلید شوید آنان، باعث بروز رفتارهای تند و خشن در آن‌ها می‌شود؛ درحالی‌که شرکت در کارهایی هم چون نقاشی، عروسک‌سازی، شعرخوانی، قصه‌نویسی و انجام کارهای فرهنگی، انجام بازی‌های صمیمانه جمعی مثل اسم‌فامیل، خاله‌بازی و... آرامش و روحیه گروهی را در کودک تقویت می‌کند.

به تدریج و با گذشت زمان، فعالیت‌ها و نوع بازی کودکان، الگوی شخصی آن‌ها را شکل می‌دهد؛ یعنی کودک که فعالیت‌های پرخاشگرانه را انتخاب می‌کند، تا سال بعد پرخاشگرتر می‌شود. عامل دیگر پرخاشگری کودک انتخاب دوست است که به سلیقه و نوع انتخاب خودشان مربوط می‌شود. بعضی کودکان، مخصوصاً پسران که آمادگی بیشتری در انجام فعالیت‌های خشن‌آمیز دارند، به علت مسائل ژنتیکی یا اخلاقیات خود کودک، شیطنت‌های خاصی انجام می‌دهند؛ زیرا به‌طور طبیعی بعضی کودکان از بعضی دیگر شلوغ‌تر و پر سرو صدادرتر هستند؛ و به علت کنجکاوی آنان، خرابکاری‌شان نیز بیشتر خواهد بود. در نتیجه این کارها، ممکن است مادر از کوره دررود و فرزند خود را تنبیه کند. در اصل ششم اعلامیه حقوق بشر آمده است: «کودک، برای رشد کامل و متعادل شخصیت خود، نیازمند محبت و تفاهم است و تا آنجا که ممکن است، باید تحت مراقبت و مسئولیت پدر و مادر خود و در هر حال در محیطی پرمهر و محبت و با تأمین اخلاقی و مادی پرورش یابد و...»

تفاوت‌های پرخاشگری بین دختران و پسران

تفاوت‌های رفتار جنس و نقش جنس از هنگام تولد شروع می‌شود. هر چه کودک بیشتر رشد می‌کند، بر این تفاوت‌ها نیز افزوده می‌شود تا آنکه در زمان بلوغ به بیشترین حد خود می‌رسد و دو جنس دختر و پسر را کاملاً از یکدیگر متمایز می‌سازد. به عنوان مثال از مطالعات مختلف چنین به دست آمده که نزد کودکان و بزرگسالان، محبت و رفتار انفعالی، عاطفی و حمایت‌کننده، بیشتر از ویژگی‌های زنانه است و پرخاشگری، استقلال، رقابت و سلطه و حاکمیت، بیشتر خصوصیات مردانه محسوب می‌شود.

پسران اغلب پرخاشگر و تجاوزکارند؛ به‌ویژه در پرخاشگری‌های بدنی از دختران جلوتر هستند. پسرها به‌خصوص به هنگامی که به آنان حمله می‌شود یا کسی مخل کارهایشان می‌شود، تلافی می‌کنند. در یک مطالعه مشاهده‌ای در مورد کودکان پیش از مدرسه، پسرها فقط اندکی بیش از دخترها مورد حمله قرار گرفتند، ولی دو برابر دخترها تلافی کردند. دختران در مقابل خواسته‌های والدین و سایر بزرگسالان، بیشتر فروتنی نشان می‌دهند و این مسئله حتی از سنین کودکی اول نیز کاملاً محسوس است. دختران در گروه‌های همسال، بیشتر همکاری نشان می‌دهند؛ در حالیکه پسران این ویژگی را به‌ویژه در روابط با دختران، کمتر بروز می‌دهند.

حسادت

یکی از علل پرخاشگری حسادت است. کودکی که فکر می‌کند تمام موقعیت‌ها باید از آن وی باشد یا فقط از او به‌عنوان یک کودک منضبط، باهوش، زنگ، مهربان و... تعریف و تمجید شود، تحمل شنیدن هیچ سخن مغایر با وضعیت فوق را نداشته و اگر متوجه شود کودک یا کودکان دیگر

نیز با دارا بودن همان خصوصیات، مورد توجه سایرین هستند، ممکن است در برابر آنان حالت تدافعی به خود گرفته و پرخاشگری کند. حسد یکی از صفات مذموم است و اسلام چنین صفت بدی را مورد مذمت شدید قرار داده است. هم چنان که حضرت علی (ع) فرموده است: «الْعَجَبُ لِفَقْلَةِ الْحُسَادِ عَنِ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ؛ عجب است از حسودان که از سلامت بدن خود غافل هستند.

تولد فرزند جدید

کودک ممکن است فکر کند با ورود این میهمان ناخوانده، دیگر جایی برای محبت به او باقی نمانده و نمی تواند مانند همیشه مرکز توجه اطرافیان خود باشد. از این رو دست به پرخاشگری می زند و با پرتاب اشیاء یا ناسازگاری و کج خلقی، خشم خود را تخلیه می نماید. در چنین وضعیتی ممکن است نوزاد را مورد آزار و اذیت قرار دهد.

احساس ناکامی

کودکی که می خواهد هنگام بازی یا هرگونه رقابت با هم سن و سالانش، همیشه برنده مسابقه باشد یا در مدرسه فقط نمره بیست بگیرد، در صورت برآورده نشدن خواسته هایش دچار ناکامی شده و پرخاشگری می کند. البته موضع گیری والدین در این امر، بی تأثیر نیست. والدین که بدون در نظر گرفتن علایق و توانایی های فرزند خود از او انتظار دارند که همیشه و در همه حال با کسب موفقیت های پی در پی به عنوان «ستاره» جمع شناخته شود، باید بدانند که با دست خود عوامل مستعد کننده پرخاشگری و سرانجام ناکامی را در وجود فرزندانشان تقویت نموده اند.

حال این ناکامی گاهی از درون فرد و از ضعفها و کاستی های او سرچشمه می گیرد، مانند معلولیت های جسمانی و نداشتن بعضی توانایی ها که ممکن است آدمی را از رسیدن به هدف باز دارند. خطر این نوع ناکامی برای شخصیت فرد بیشتر است. گاهی نیز ناکامی ناشی از عوامل طبیعی است؛ زیرا در محیط همیشه عواملی وجود دارند که مانع برآورده شدن تمام احتیاجات شخص می شود.

عامل اجتماعی

معمولاً افرادی که در محیط هایی دور از تفاهم و مسالمت زندگی می کنند، در اجتماعی به سر می برند که بین اعضای آن درگیری و پرخاشگری است. آن ها که دائماً در اجتماع خود شاهد زدوخوردها، درگیری های بی حساب، بی اعتنائی ها و حق نشناسی ها هستند، گرفتار این وضع و حالت می شوند و سعی دارند از طریق پرخاشگری و اعمال خسونت، خشم و کین خود را فروبشانند.

عامل فرهنگی

داستان های خسونت آمیز و نمایشنامه هایی که در آن زورگویی و خسونت وجود دارد، ضرب المثل های بدآموز، کنایات، استعارات و هنرهای ورزشی خسونت بار از عوامل فرهنگی ایجاد خسونت هستند.

عامل اقتصادی

در برخی موارد، فقر و محرومیت های اقتصادی سبب تهاجم و پرخاشگری می گردد. والدین و مربیان با دادن وعده برای خرید، دادن پول به آنان که به صورت تدریجی جمع آوری و برای تهیه شیء مورد نظر اندوخته شود، می توانند تا حدود زیادی جلوی آن را بگیرند. فاجعه آنگاه عظیم می شود که در عین عدم تهیه آن شیء او را سرکوب و سرزنش کرده و مورد تنبیه قرار دهند.

ارضای تمام خواسته ها و امیال کودک

اغلب اوقات، کودکی که با مادر خود از منزل خارج می‌شود، با مشاهده اجناس گوناگون در مغازه‌های مختلف، بهانه‌گیری می‌کند و در صورت بی‌توجهی به خواسته‌هایش، بنای پرخاشگری و کج‌خلقی را می‌گذارد. در این صورت باید با او صحبت نمود و با برخوردی منطقی و جدی و به‌دوراز پرخاشگری با وی رفتار نمود؛ بنابراین ارضای تمام خواسته‌ها و امیال کودک جایز نیست و جز لوس ساختن وی حاصلی نخواهد داشت.

تفاوت میان پرخاشگری، جرئت مندی و کم‌رویی

درک تفاوت میان این سه مفهوم، گام نخست در آموزش رفتار جرئت مندانه است. هاک رفتار جرئت مندانه را احقاق حق بدون عصبانیت و رفتار پرخاشگرانه را احقاق حق همراه با عصبانیت تعریف می‌کند. وقتی جرئت مندانه رفتار می‌کنید، متوجه می‌شوید که دیگران نیز مانند شما حقوقی دارند و همچنین امیدوارید که به راه‌حلی رضایت‌بخش برسید که به نفع هر دو طرف باشد. در واقع شما به دنبال بازی برد - برد هستید.

رفتارهای پرخاشگرانه که باعث ترس و وحشت دیگران می‌شوند شامل کنترل گری، اهانت، پرتوقعی یا دست انداختن دیگران هستند. در رفتارهای پرخاشگرانه فرد فقط به دنبال حق خود است، هدفش این است که به دیگران زورگویی کند و حق خود را در به هر نحوی حتی زیر پا گذاشتن حقوق دیگران به دست آورد. به عبارت دیگر بازی ارتباطی فرد پرخاشگر بازی برد - باخت است.

جاکوبوسکی و لانگ معتقدند که باورهای زیر باعث بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌شوند:

- در هر کاری باید برنده باشم.
- اگر زورگویی نکنم، هیچ‌کس به حرف من گوش نمی‌دهد.
- جهان پر از دشمن است، پس برای اینکه حقم را بگیرم، باید پرخاشگرانه رفتار کنم.
- سازش کردن با دیگران مساوی با باخت است.
- باید هر طوری شده روی دیگران تأثیر بگذارم.
- هیچ‌کس نباید مانع رسیدن من به اهدافم شود.
- با برخی از افراد فقط باید از طریق رفتار پرخاشگرانه ارتباط برقرار کرد.
- باید ثابت کنم حق با من است و دیگران اشتباه می‌کنند.
- جهان ناعادلانه‌ای است، وقتی کسی با من بدرفتاری می‌کند، تحملش برای من خیلی مشکل است.

کم‌رویی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: « زیر پا گذاشتن حقوق خود توأم با عذرخواهی و فروتنی نابجا ». با این کار، دیگران به راحتی می‌توانند حقوقتان را نادیده بگیرند. پیغامی که اغلب با کم‌رویی به دیگران منتقل می‌کنید، این است که: « نیازهای من مهم نیستند و خواسته‌های دیگران خیلی مهم‌ترند ». کم‌رویی می‌تواند زیر لوای ادب و نزاکت پنهان شود. با این حال، خودگویی‌های فرد ممکن است آن قدرها مؤدبانه نباشند، به این خاطر که نتوانسته است آنچه را در ذهن داشته بیان کند و همین امر موجب دلخوری او می‌شود. نکته مهمی که در سنجش کم‌رویی باید مشخص شود این است که آیا این رفتار بخشی از صفت (مثلاً بخشی از شخصیت) فرد است یا اینکه در یک موقعیت خاص بروز پیدا می‌کند. این موضوع شاخصی از وسعت مشکلات بین فردی را در شخص نشان می‌دهد.

در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که پرخاشگری و کم‌رویی دو سبک رفتاری کاملاً متفاوت در برخورد با موقعیت‌های مشکل‌آفرین هستند؛ اما هردوی آن‌ها نقاط مشترکی دارند: تهدید عزت‌نفس فرد، به‌عنوان مثال، از مواجهه با تعارض بین خود و همسران اجتناب می‌کنید به این دلیل که ممکن است از شما فاصله بگیرد و این کار او باعث تقویت دیدگاه شما نسبت به خودتان شود. این دیدگاه که انسان بی‌ارزشی هستید. یا یکی از همکارانتان به کار شما ایراد می‌گیرد، به‌جای اینکه به‌طور سازنده با او بحث و تبادل نظر کنید، برای اثبات قوی بودن خودتان و بی‌عیب بودن کارتتان به او بدویبراه می‌گویید. چون اگر انتقادهای او را بپذیرید، به نظرتان می‌رسد بی‌عرضگی خود را ثابت کرده‌اید.

نتیجه‌گیری

پرخاشگری در کودکان پدیده‌ی شایعی است که به صورت‌های مختلف جسمی، عاطفی و تنش‌قابل توجه در آن‌ها دیده می‌شود. اگرچه این مسئله بخشی طبیعی در روند رشد کودک شماسست، اما از او انتظار می‌رود که در مدرسه احساساتش را کنترل و مدیریت کند. هرچه آموزش‌های شما در این زمینه از سن کمتری آغاز شود احتمال اینکه فرزندان بتوانند بر پرخاشگری‌اش غلبه کند بیشتر می‌شود.

کودکانی که رفتار پرخاشگرانه دارند معمولاً خودانگیخته، بی‌قرار و زودرنج‌اند. پژوهش‌های جدید می‌گویند که این مسئله با توانایی‌های گفتاری و طبیعت ذاتی بچه‌ها در ارتباط است. پرخاشگری موردی در کودک طبیعی است اما اگر به کرات یا بر طبق یک الگوی مشخص اتفاق بیفتد خطرناک خواهد بود. پرخاشگری معمولاً از ناتوانی کودک شما در کنار آمدن باخشم، عوامل بیولوژیکی، بدرفتاری والدین یا کمبود مهارت‌های ارتباطی ناشی می‌شود.

منابع و مآخذ

1. روان‌شناسی رشد 1، سوسن سیف، ص 426.
2. لغت‌نامه دهخدا، ج 21، ص 585.
3. بهداشت روانی، بهروز میلانی‌فر، ص 105.
4. علل پرخاشگری کودک، طاهره داودالموسوی، ص 5 - 6.
5. کودکان آینه رفتار والدین، فرض الله قلی زاده کلان، ص 41.
6. علل پرخاشگری کودک، همان، ص 6.
7. رشد و شخصیت کودک، پاول هنری ماسن و دیگران، ترجمه: مهشید یاسائی، ص 167 - 168.